



۲۰۱۶/۰۱/۲۹

انجنیر فضل احمد افغان

## انسان دارای ارزش ذاتی است!

جناب استاد فاضل و دانشمند گرانقدر محترم اسحاق نگار گر که در درد مادروطن میسوزد و در بستر مریضی در شفاخانه قرارش نگرفته با آگاهی از عمل غیر انسانی طالبان قلم را بدست گرفته مضمون بسیار عالی و آموزنده را تحت عنوان فوق تحریر و در فیسبک خود به نشر رسانیده اند که خواندن مضمون جناب شان نه تنها برای من آموزنده بود بلکه من را نیز به یادی یکی از خاطرات هشت سال قبل مریضی من در شفاخانه ایالت برتس کولمبیا انداخت که بعد از رخصت شدن از شفاخانه چشم دید خود را تحت عنوان ذیل در قید تحریر در آورده و در همان وقت به توجه هموطنان گرامی از طریق ویبسایت های مختلف رسانیدم و بعداً در صفحه ۲۱۷ کتابم که بنام فغان افغان" است نیز درج و در سال ۲۰۱۱م تقدیم هموطنان عزیزم داشتم لهذا فرصت را غنیمت شمرده خواستم بار دیگر مضمون خود را به توجه هم میهنانم عزیز خود برسانم

### داکتران درمان درد های مادر وطن

کلمات داکتران، درمان، درد ها و مادر وطن که در مجموع عنوان این چند سطر مختصر است بخاطری انتخاب گردیده که مادر وطن ما درد هایی دارد که باید درمان آن توسط داکتران (دانشمندان) که از نگاه دانش صلاحیت تشخیص عوامل اصلی درد های سه دهه اخیر را داشته و با قلوب پاک آکنده از عشق و جنون به مادر آرزوی درمان واقعی آنرا داشته باشند.

قبل از اینکه به اصل مطلب بپردازم می خواهم توجه خوانندگان گرامی القدر را به حادثه ۷ جولای سال جاری که قریب بود این بنده عاجز را از دنیای فانی به ابدی ببرد جلب و سپس با گرفتن درس از آن توضیحاتی لازم را به ترتیب عنوان فوق به عرض برسانم که.

بلی قبل از ظهر ۷ جولای بود که من و خانمم زهرا جان طبق معمول به سوپر مارکیت (مغازه بزرگ) برای خریداری مواد مورد ضرورت اولیه رفتیم بعد از نیم ساعت گشت و گذار در مغازه دفعتاً احساس کردم که کنج طرف چپ دهنم بی حس گردید به تعقیب آن احساس کردم که در فضا قدم می زنم و مغازه دور سرم می چرخید و پای چپم نیز وزنم را نمی توانست بردارد درک کردم که ستروک (سکته) است فوری به کمک خانم بالای بوجیهای بوره که در همان مجاورت قرار داشت نشستم و از خانمم خواهش کردم که بایک بوتل آب یک قطی اسپرین ۳۲۵ ملیگرامه نیز بیاورد. در همین وقت که آب و اسپرین را می گرفتم یک خانم که سنش در حدود بین ۷۵-۸۰ بود نیز با کراچی شاپینگ از پیشروی مامی گذشت و با بسیار شفقتت و مهربانی از من پرسید که اگر به کمک ضرورت داشته باشم.

من با اظهار تشکر برایش گفتم خانم با من هست او مکرراً برایم گفت سپری نیتروگلیسرین را داری من برایش گفتم دارم اما فراموش کرده ام نزد من نیست خانم مهربان فوری از دستکول خود سپری را کشید برایم داد من نیز بدون ضیاع وقت آن را زیر زبانم سپری کردم و در عین حال به تلفون ۹۱۱ طالب کمک شدم لحظاتی نگذشته بود که آمبولانس با پرامدیکل رسید و به تداوی مقدماتی آغاز و من را درحالیکه خانم نیز با من بود به شفاخانه انتقال دادند.

در شفاخانه علی الرغم آنکه روز شنبه و رخصتی بود داکتر و نرسهای نوکریوال بدون ضیاع وقت به تشخیص مریضی و تداوی من دست به اقدام شدند اولاً داکتر نوکریوال که عیسوی مذهب بود همزمان با تداوی مقدماتی در تلاش بود که مریضی من را تشخیص نماید بعد از تکمیل معاینات خودش، متخصص امراض قلبی را از منزلش خواست، متخصص قلب که مسلمان عرب بود نیز با رسیدنش به شفاخانه دست بکار و آخرین زحمات خود را کشید که مریضی مرا تشخیص نماید تا آنکه اطمینان حاصل کرد که تکلیف قلبی نیست فی لهذا او فوری داکتر عصبی را خواست، متخصص امراض عصبی که یک زن یهودی بود خود را نیز بدون ضیاع وقت به شفاخانه بالای سرم

د پائو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

رسانید و تمام معاینات لازمه را انجام داد و بالاخره به نتیجه رسید که منی ستروک دماغی (سکته کوچک دماغی) بود و به لطف خداوند بزرگ به دماغ و یا قلب صدمه نرسیده بود و بعد از ده الی دوازده ساعت تزریق کردن ادویه رقیق نمودن خون و مسکن برای درد قلبم مرا با دادن نسخه پلاوکس (ادویه مخصوص رقیق کردن خون) مرخص و گفتند گرفتن اسپیرین و نیتروگلیسرین در مغازه و سرعت در رسیدنم به شفاخانه مرا از عواقب ناگوار آن نجات داد. یعنی دواى صحیح در وقت مناسب و سرعت عمل داکتران بشر دوست بود که به لطف خداوند متعال از مرگ نجات یافتیم.

مطلب من از درد سر دادن هموطنان عزیز در موضوع شخصی اینست که در مریضی من از آغاز یعنی از لطف خانم پیچه سفید، اعضائی پرامدیکل و بالاخره در شفاخانه که داکتران عیسوی، مسلمان عرب و یهودی بودند الی اخیر نزدشان موضوع ملیت، زبان، قوم، مذهب و رنگ من مطرح بحث نبود بلکه همه سعی داشتند که حیات مرا بحیث یک انسان نجات بدهند و حتی یکی هم از من نپرسید که من از کدام مملکت می باشم. فرض محال اگر چنین سئوالی را که مغایر اخلاق طبی است داکتر بنا بر ملحوظات و یا اغراض شخصی از مریض بکند و بعداً ثابت شود داکتر محاکمه و به جزائی اعمال خود می رسد یعنی داکتر بنا بر حاکمیت قانون نمی تواند مغایر و یا خارج هدایات قوانین اخلاق طبی حرفی بزند و یا عملی را انجام نماید. حتی بنا بر حاکمیت قانون شخصی نمی تواند شخص دیگری را بشکل توهین آمیز بنام، سفید، چاق، بنام مذهبش و غیره و غیره مخاطب سازد.

حال به اصل مطلب برمی گردم و آن اینست که تعداد ما در جوامع پیشرفته چون امریکا و اروپا زندگی می کنیم و همیشه با چنین وقایع روبرو می شویم و لاف از دانش هم می زنیم باز هم درس و پندی را نمی آموزیم تا بحیث داکتران و یا معالجن دانشمندی که چشم امید فرزندان مظلوم، ستمدیده، گرسنه، مریض، بیخانه و بی لباس مادر وطن می باشیم صادقانه و با وجدان پاک چون داکتران عیسوی، مسلمان و یهود فوق الذکر همه اختلافات تحمیل شده را کنار بگذاریم و به ایمان قوی بحیث انسان واقعی و اطاعت از اوامر خداوند(ج) و محمد(ص) تمام نیروی خود را در تقوی و وحدت ملی بنام افغان صرف و مادروطن عزیز را که با مرگ دست و پنجه نرم می کند با درمان سالم دردهایش را رفع نمایم و آنچنانکه روح نیاکان انتظار دارند بطرف شکوفائی و سربلندی سوق دهیم.

در این هیچ شکی نیست که سرچشمه همه انکشافات و پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان مدیون ترقی و توسعه برق آسآه علم و معرفت است.

در اینجا سئوالی وارد می شود که در کشورهای عقب مانده و یا رو به انکشاف که مادروطن عزیز ما نیز یکی از این کشورها است و تعداد زیادی از دانشمندان در خارج و داخل دارد چرا تعداد از انگشت شمارشان که لاف از وطن دوستی و وحدت ملی می زنند نوکری اغیار را قبول می کنند؟ و یا هر روز برخلاف شعار وطن دوستی و وحدت ملی شان آتش اختلافات قومی، لسانی و مذهبی و یا ادیولوژیکی وارد شده را در گفتار و عمل خود دامن می زنند و مادروطن خود را بطرف بدبختی می کشانند آیا این ها نمی بینند و یا نمی شنوند که در جهان مترقی و پیشرفته چون امریکا، بریتانیا و فدراسیون روسیه و غیره که امروز لاف از باداری و آغائی می زنند در کشورهای خود با حاکم نمودن قانون همه چنین اختلافات را محوه و نابود نموده اند و در صورت تخلف از پاتین ترین الی بلند ترین مقام دولتی یا غریب ترین الی ثروتمندترین شخص شدیداً به جزای اعمال خود می رسد؟ و برعکس برای رسیدن اهداف شوم شان که چوشیدن خون فرزندان مادروطن ما و دیگر کشور های جهان بی دفاع میباشند با استفاده از چنین اشخاص که خود را دانشمند می گویند تیشه را بدست شان می دهند که با تفرقه اندازی ریشه های فرزندان هموطن خود را که به عرق ریزی و زحمات شان به مدارج عالی علمی و سرمایه های زیاد رسیده اند قطع نمایند. آیا چنین اشخاص سزاوار نفرین نیستند؟ من از بارگاه ایزدی آرزو مندم که از عمر چنین فرزندان ناخلف خودکش بیگانه پرست کاسته و به عقلشان و وطن دوستی شان افزوده شود.

هم میهنان عزیز از اضافه گوی معذرت می خواهم صرف عرض می دارم که ما نباید بیشتر فریب دشمنان را بخوریم و به آگاهی و هوشیاری باید از همه اولتر تحت یک نام افغان متحد و از استقلال، آزادی، یکپارچگی و بیطرفی مادروطن مریض ما که نزدیک به هلاکت است الی آخرین رمق حیات دفاع نمایم و دست با دست هم داده و با کنار گذاشتن همه اختلافات تحمیل شده دشمنان مشت آهنینی شویم و مادروطن مریض خود را که به مداوای عاجل ضرورت دارد بدون ضیاع فرصت دست به اقدام شویم

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

فی لهذا من بحیث یک فرزند و خدمتکار کوچک مادروطنم پیشنهاد می نمایم که: هر چه زودتر دایر شدن یک کانفرنس بین المللی تحت ریاست شخص سرمنشی ملل متحد که اعضای آن مشتمل از کشورهای همسایه، هند، کشورهای ذیدخل چون (آی ساف)، (انیتلاف) و تعداد از دانشمندان وطندوست، پاک، صدیق، باتجربه و سابقه نیکوی هموطن ما باشند امر ضروریست تا بتوانند برای جستجوی راه حل ایجاد یک دولت ملی که دارای قوای نظامی مجهز ملی، قوای مجهز ملی امنیتی، آزادی و استقلال باشد. تا بتواند با تطبیق قانون در تمام سکتورهای دولتی جنگسالاران را خلع سلاح، دستان مؤسسات نامشروع غیردولتی خارجی (ان، جی، او) ها را قطع، کشت خاشخاش را جدی جلوگیری و دیموکراسی واقعی را بصورت تدریجی با بلند بردن شعور سیاسی در پرتو نور علم و معرفت در عمل پیاده نماید.

و همچنان برای برگشت آبرومندانه مهاجرین افغانی از پاکستان و ایران بداخل افغانستان تصامیم جدی و مؤثر گرفته شود. به این معنی که در صحرا ها و دشت های دولتی مناطق گرمسیر کشور برای مهاجرین اجازه داده شود که الی برقراری صلح و امنیت سرتاسری در کشور برای دو الی سه سال با ادامه کمک های بشری بین المللی موجوده شان تحت پروگرام کار در مقابل مواد غذای جهان به ساختمان شهرک های کوچک از مواد ساختمانی محل که دارای اداره های کوچک امنیتی، مکاتب، مساجد، کلنیک ها، مغازه ها، آب آشامیدنی، و غیره باشد اقامت نمایند البته با مساعد شدن شرایط کار به تدریج تحت پروگرام منظم در شهرها جذب و مقیم شوند.

و همچنان در کانفرانس تقاضا شود که مؤسسات امدادی حق اولیت را به اساس معیارهای علمی به متخصصین افغانی در اعمار زیربنای اقتصادی افغانستان بدهند. و در عوض تأسیس پوهنتون ها در هر ولایت عجلتاً به دو یا سه پوهنتون که فاکولته های همه شقوق تربیه پرسونل مورد ضرورت کشور را داشته باشند تقویه و در ولایات دیگر در چوکات پوهنتون های شان صرف یک یک دارالمعلمین عالی برای تربیه معلمین خود ولایت تأسیس و توجه شود که معلمین با سویه تربیه نمایند چه کشور عزیز ما در شرایط کنونی به معلم، تعمیر مکتب، کتاب، چوکی و قرطاسیه بیشتر ضرورت دارد نسبت به شقوق دیگری که الی چند سال آینده برای استفاده آن زمینه کار مساعد نیست.

بلی اهداف عالی فوق وقتی عملی شده می تواند که خداپرستی و انسان دوستی را شعار خود سازیم، شخصیت پرستی و قوم پرستی را کنار زنیم و افغانستان آزاد، مستقل و یکپارچه داشته باشیم چه در غلامی آزادی نیست فی لهذا اگر آزاد نباشیم دیموکراسی واقعی نیست و اگر دیموکراسی واقعی با در نظر داشت شرایط اجتماعی ما نباشد احزاب سیاسی ملی که جلو خودسری های دولت را گرفته بتواند وجود داشته نمی تواند که در نتیجه نمی توانیم قانونیت را حاکم و دردهای مادروطن را مداوا کنیم و من یقین کامل دارم که هم میهنان عزیز ما بیدار خواهند شد و دیگر فریب دشمنان را نخواهند خورد و دانشمندان گرامی القدر با آواز بلند صدای برحق فرزندان غم دیده و بلا کشیده مادروطن ما را به گوش های جهانیان خواهند رسانید مخصوصاً در این مقطع زمان دشوار وظیفه رسانه های گروهی افغانی ما در داخل و خارج افغانستان عزیز است که بخاطر خداوند(ج) که تأکید بر وحدت می کند بحیث مشعلداران واقعی وظایف نهایت مهم خود را در قبال مادروطن نهایت عزیز خود بکمال امانتداری و صداقت انجام دهند تا باشد که روح پدران و نیاکان ما شاد و نزد نسلهای امروزی و فردا سرافراز باشند.

و من الله تو فیق

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی